



در گوشه یکی از صفحات دفتر ثبت متوفیان مشهد در کشور تاریخ افتتاح غسالخانه بلدیة ۵مهر۱۳۱۴ ثبت شده و آمده که می بعد همه مراسم غسل و کفن و دفن اموات به آنجا منتقل می شود

غسالخانه یا **غسلخانه**، همه ما صبح‌ها غمگینی را که در صدای ناله و شیون حل می‌شود و در سیاهی لباس عزادارامه پیدا می‌کند، تجربه کرده‌ایم؛ بی‌روحي کش آمده در ساعتي را که قرار است شاهد مراسم شستن و کفن و دفن عزیزی در چهار دیواری غسالخانه باشیم، خاصه آن لحظه که پرده نایلونی دریچه بالا می‌رود، تابوت روی غلنگ می افتد و بلدیة می تمام می‌شود، این سطر را بگذاردی کنار این توضیح که امروزه سال یا گرفتن نخستین غسالخانه بلدیة در مشهد است؛ غسالخانه‌ای که چون از لحاظ امکانات پیداشتی به انواع امروزی خود شبیه بود، بعد از افتتاح به این نام شهرت یافت؛ «غسالخانه جدید بلدیة»، البته جدید بودن غسالخانه بلدیة به این معنی نیست که پیش از آن، در ارض اقدس غسالخانه‌ای وجود نداشت و بعد از آن تاریخ، شهر صاحب غسالخانه شد. دلیل اطلاق چنین عنوانی این بود که پس از آن تاریخ، مشهد صاحب غسالخانه‌ای پیداشتی شد، آن هم در روزگاری که اغلب مردم به دلیل نبود امکانات، پیکر عزیزان خود را در خانه‌های می‌شستند، گزارش پیش‌رو نقشی است بر تاریخ غسالخانه‌های شهر.

قدیمی‌ترین اسنادی که بر غسالخانه اشاره کرده‌اند

قدیمی‌ترین قبرستان مشهد که نامی از آن در متون تاریخی به میان آمده، گورستان تاریخی قلنگاه است که در طرح ایجاد فلکه حضرتی در سال ۱۳۱۷/۱۳۱۴ خورشیدی، تخریب شد. روایتی درباره این قبرستان وجود دارد که قاضی میر احمد مشقی قمی ابراهیمی آن را نقل کرده و گفته که، پول زمین این قبرستان را امام‌رضاع) در زمان سفرشان به توس از محل اجرت کتابت کلام... می‌خزند و آن را ویزه اموات مسلمانان (مؤمنین و مؤمنات، وقف می‌کند. همین است که در ابتدا این زمین را که در ضلع شمالی حرم مطهر رضوی قرار داشته، «غسلگاه» نیز می‌خوانده‌اند. همچنین آن طوک که «این اثر» گزارش می‌دهد، گویا غسالخانه در سال (۱۵هجری قمری، پس از دفن کشتگان یک حادثه در حرم مطهر رضوی به این نام معروف می‌شود. صرف نظر از درست یا نادرست بودن این گزارش، قدیمی‌ترین سند مربوط تاریخ مشهد که در آن به کلمه غسالخانه اشاره شده، مربوط به سال ۱۳۳۲ قمری (۱۲۴۱ خورشیدی) است. در این سند که اکنون در مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود، برای محمد حسن سراف درخواست حکم شریع شده است تا با این حکم بتواند از محل موقوفات وقف شده بر تخریب یک باب غسالخانه را تعمیر کند. از سوی دیگر، نشانه‌هایی از فعال بودن غسالخانه در ساختار

وقتی شهری نامردگان خود را دغذایی شستند

جریده «رعد» نیز در ۱۳۰۲ اردیبهشت ۱۲۹۹ خورشیدی گزارشی از وضعیت بد بهداشتی در مناطق مختلف خراسان منتشر کرده است که نشان می‌دهد احتمالاً به خاطر کمبود غسالخانه در شهرها، بسیاری از مردم اموات خود را در خانه‌هایشان می‌شستند و برای شست‌وشو هم از آب چاه‌ها استفاده می‌کردند؛ آب چاهی که به سفره‌های آب زیرزمینی می‌باز می‌گشت و همین موضوع سبب انتشار بیماری‌های همه‌گیر می‌باز می‌گشت و همین موضوع سبب بعضی ولایات هنوز غسالخانه‌های تسهیل‌آموز نیست و اموات را در خانه‌ها یا در آب‌های جاری شست‌وشو می‌نمایند. مسلخ (کشتارگاه) را در بعضی شهرها نیست و گوسفندها را در سربازها ذبح می‌کنند و کثافات را در کوچه‌ها منتشر می‌نمایند، این امر بر شایع شدن انواع بیماری‌ها دامن زده است.»

نویسنده روزنامه «فکر آزاد» نیز در ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۴۱ (۱۳۰۵ خورشیدی) در گزارشی از وضعیت غسالخانه‌ها و قبرستان قلنگاه، شکایت کرده و چنین توضیح می‌دهد: «قبرستان مسلمین؛ مقالة راجع به وضعیت شرم‌آور قبرستان قلنگاه کثافات نزدیک بازار سنگ‌تراشی‌ها [در] بیست قدمی صحن مطهر اطراف غسالخانه و امامزاده واقع در قبرستان برای درج به اداره ماریتده است که حقیقتاً از درج آن شرم می‌نماییم، آنتی قدری مایه خشنودی گردید، چند سطر آخر آن بود که می‌نویسد حضرت آیت‌الله... زاده، آقای حاج قائم‌مقام التولیه، آقای دریان باشی و بعضی دیگر برای مرتفع ساختن این وضعیت تنگین وعده‌هایی داده‌اند، این رویه با تصویب قانون بلدیة و مسئولیت پیکراندگان شهرداری‌ها در

تاریخ غسالخانه‌های مشهد به روایت سال‌ها

تصویب طرح ساخت یک غسالخانه عمومی دارای امکانات بهداشتی و موافق با نظر اداره بهداشت (حفظ الصحة)

تصویب طرح ساخت یک غسالخانه عمومی دارای امکانات بهداشتی و موافق با نظر اداره بهداشت (حفظ الصحة)

تصویب نخستین غسالخانه بزرگ مشهد، معروف به غسالخانه جدید بلدیة

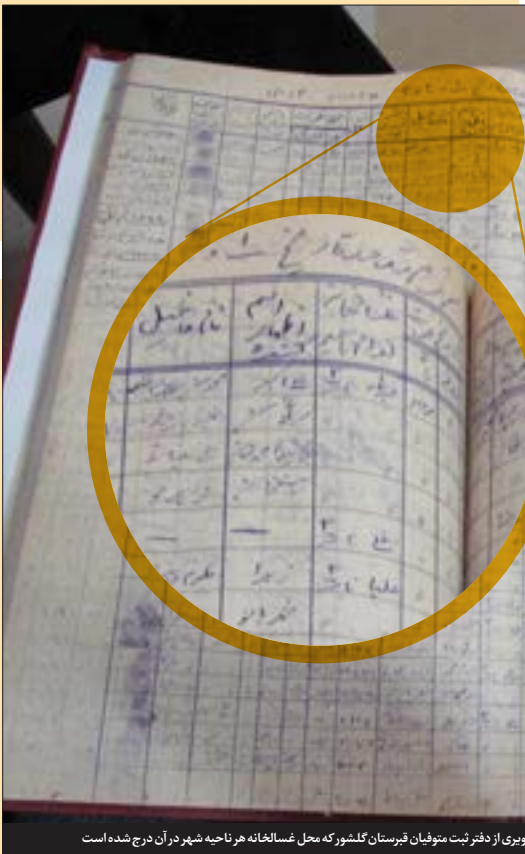
تصویب طرح ساخت یک غسالخانه عمومی دارای امکانات بهداشتی و موافق با نظر اداره بهداشت (حفظ الصحة)



غسالخانه‌ها از ابتدا تا سال ۱۳۱۴ خورشیدی

ایجاد غسالخانه جدید شمر

شرایط حاکم بر امور کفن و دفن در مشهد، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی با انتصاب دکتر ابوالقاسم شیخ به ریاست بلدیة مشهد، تغییر اساسی را تجربه کرد، رئیس جدید بلدیة که برتسک بود، تصمیم گرفت غسالخانه‌ای جدید دارای امکانات بهداشتی برای شهر بسازد. گزارش از شیوع یک بیماری مسری خطرناک چاپ کرده که تلفات بسیاری داشته است و با اینکه علانم رایج آن، تب بالا، سرفه، سبیدی زبان و تگی نفس بوده، بیاخته می‌هیج یک از بیماری‌های شناخته شده نداشته است و به همین دلیل، نام آن از «مرض اسمال» گذاشته‌اند. روزنامه رعد در اواسط این گزارش، زمانی که می‌خواهد از تلفات بیماری بگوید، به واژه غسالخانه‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد: «به‌فراز مذکور، تلفات نسوان زیادتر بوده... به راپورت غسالخانه‌های مشهد هم همین طور می‌آید...» این روزنامه مدتی بعد در ۲۱ جمی سال ۱۳۲۸ قمری (۲۰۰۹ خورشیدی) نیز وقتی می‌خواهد آمار درگذشتگان مشهد را در یک ماه پیشین گزارش کند، چنین توضیح می‌دهد: «بلدیة هنوز راپورت غسالخانه‌ها را جمع‌آوری نکرده و ازاین‌رو نمی‌توان آمار دقیقی از متوفیان اعلام‌نمود.»



تصویری از دفتر ثبت متوفیان قبرستان کشور که محل غسالخانه ه راجع شهر در آن درج شده است

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

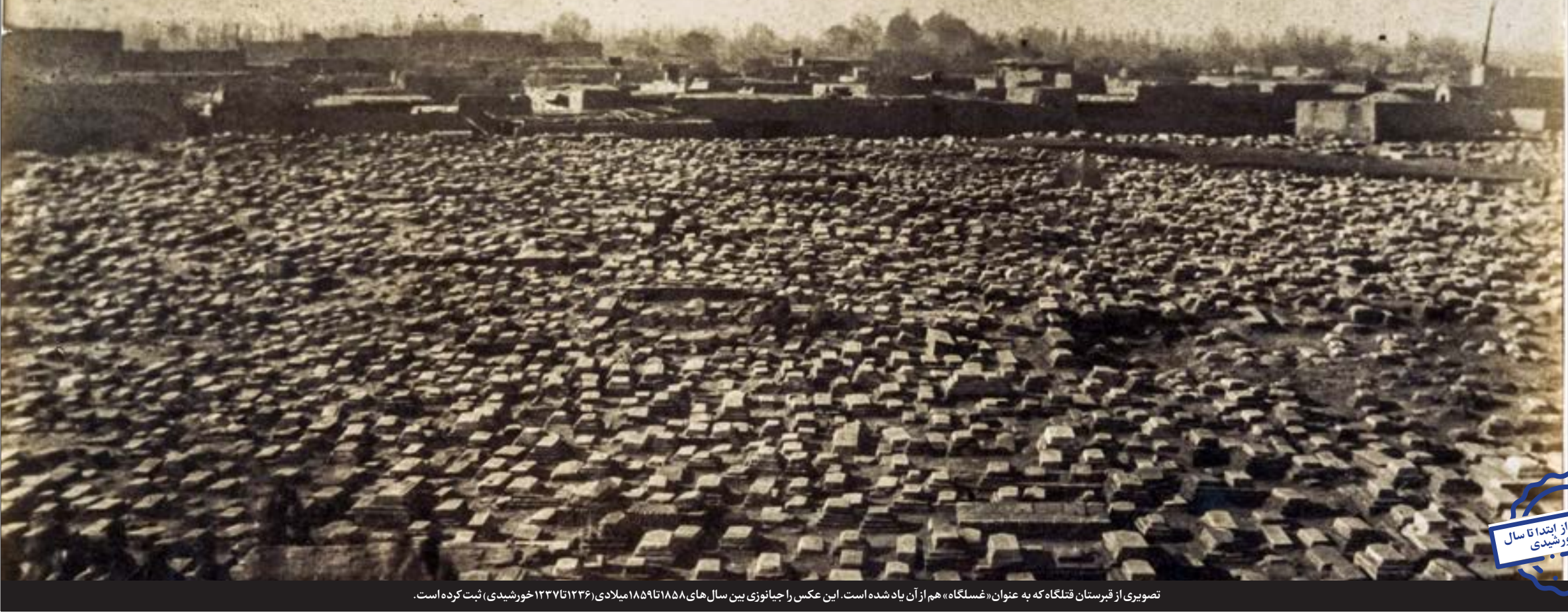
پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

مروری بر تاریخ غسالخانه‌های نسل جدید مشهد که تأثیر زیادی بر بهبود وضعیت بهداشت داشتند

آب‌ممات جدا، جرعه حیات جدا



تصویری از قبرستان قلنگاه که به عنوان «غسلگاه» هم از آن یاد شده است؛ این عکس را جی‌وایزی بین سال‌های ۱۸۹۵ تا ۱۹۵۸ میلادی (۱۳۱۴ تا ۱۳۳۷ خورشیدی) ثبت کرده‌است.

همین سال ضمن درج گزارش دوم‌ها از اقدامات دکتر شیخ به ایجاد یک باب غسالخانه و یک باب رخت‌شویی خانة و مستزرات عمومی اشاره کرده که قرار است در سال ۱۳۱۴ به بهره‌برداری برسد.

روزنامه «بهار» این خبر را در ۲۰ بهمن همین سال (۱۳۱۳ خورشیدی) درج کرده و محل احداث غسالخانه را خارج دروازه خیابان صفوی نوشته است. «بهار» همچنین دو خبر نیز در دی‌ماه ۱۳۱۳ و فروردین‌ماه ۱۳۱۴ خورشیدی منتشر کرده است که نشان می‌دهد تأمین مصالح ساختمانی بنای غسالخانه در این دو زمان، از طرف بلدیة به مناقصه گذاشته شده بوده است. روزنامه «شهامت» هم محل غسالخانه مذکور را خارج دروازه سفلی ذکر کرده است.

جریده «آزادی» در شماره ۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۴ خورشیدی خود، خبر انمام کار ساختمان غسالخانه را اعلام کرده و نوشته است: «رخت‌خانه رخت‌شوی‌خانه را در نظر گرفته‌اند، قریباً شروع به ساختمان خواهند کرد، روز دوم مهر همین سال، بلدیة با انتشار اعلان و پیشی آن در شهر، مردم را از ساخته شدن غسالخانه مطلع و اعلام کرد که از این‌بعد امور کفن و دفن اموات بر عهده مأمورانی است که شهرداری به آن‌ها مجوز داده‌است. بلدیة همچنین در این اعلان حق مخصوصی برای کفن و دفن مردگان قبله اول و دوم و سوم تعیین می‌کند، (منظور از طبقه نیز به احتمال زیاد موقعیت اقتصادی افراد است)

خبر دیگر برای حل جاذبه‌توسط شهرداری

یکی از اتفاقات جالب بعد از احداث بنای غسالخانه جدید مشهد، که بداندید در مشهد قدیم، تقریباً هر محله هم رخت‌خوای غسالخانه‌ای در قبرستان (میهروا، اشاره کرده‌از دفن مردی نوشته که ساکن همان اطراف بوده است. رد و نشان این غسالخانه‌های محلی را در دفتری‌های «ثبت‌انام اموات قبرستان قدیم کشور» بهتری می‌توان دید؛ این دفترها قدیمی‌ترین اسناد مربوط به ثبت نام درگذشتگان در تاریخ مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

غسالخانه طبری، دامن غسالخانه بزرگ‌شمد

۱۰ سال پس از تأسیس غسالخانه بلدیة، باتوجه به توسعه شهر و افزایش جمعیت نیاز به یک غسالخانه دیگر هم احساس شد؛ بااین حال مشکل تهیه‌ای کمبود غسالخانه خلاصه نمی‌شد؛ شهر توسعه یافته بود و غسالخانه بلدیة که روزگاری بیرون از باروهاى خیابان طبرسی از ناحیه خیابان علیا، مشغول ساختمان غسالخانه می‌باشند.»

اعترض مرکز رخت‌بخت غسالخانه دوم

از آنجاکه غسالخانه دوم نیز در ابتدای خیابان طبرسی و درون محدوده شهری ساخته شده‌بود، اعتراض اولیای امور را در پایتخت برانگیخت، محمدعلی سکوه، مدیرکل شهرداری‌ها، در اعتراض به ساخت غسالخانه باغ‌رضوان نامه‌ای به شهرداری مشهد نوشت. او طی نامه‌ای که روز ۱۷ خرداد سال ۱۳۲۶ خورشیدی به رشته تحریر درآمد، صراحتاً به ساخت غسالخانه دوم در محدوده شهری اعتراض و تصریح کرد: «با اینکه ضمن نامه‌هایی مریحاً دستور داده شده است که ساختمان غسالخانه باید در خارج شهر و با اصول بهداشتی ساخته‌شود، به قرار اطلاع حاصله غسالخانه باغ رضوان متصل به فلکه را شروع به ساختمان نموده‌اید. با تأکیداتی که شده، معلوم نیست چرا شهرداری سکوت اختیار کرده و از ساختمان مذکور جلوگیری ننموده‌است.

جای تعجب است که آقایان شهردار به دستورالمرکزه توجه ندارند، این عدم مراقبت شما موجب نارضایتی مرکز است (...). غلغین فرمایید فوارز هژگونه اقدام ساختمانی فواید جلوگیری [کنند]، اگر موضوع را روزنامه «آزادی» در شماره دوم مهر سال ۱۳۲۴ خود به اطلاع غسالخانه‌ای در قبرستان (میهروا، اشاره کرده‌از دفن مردی نوشته که ساکن همان اطراف بوده است. رد و نشان این غسالخانه‌های محلی را در دفتری‌های «ثبت‌انام اموات قبرستان قدیم کشور» بهتری می‌توان دید؛ این دفترها قدیمی‌ترین اسناد مربوط به ثبت نام درگذشتگان در تاریخ مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

مصلحت خایست غسالخانه دوم محدودده شمری

با وجود رفع مسئله نیاز به غسالخانه در مشهد، اعتراض به فعالیت آن در حرم شهری به قوت خود باقی بود؛ به همین دلیل در سال ۱۳۲۹ خورشیدی تصمیم جدیدی برای رفع این معضل گرفته‌شد. در آن سال محمدعلی اعتماد شهردار مشهد بود. او در نشست مطبوعاتی که خبر آن را روزنامه کیهان در شماره مورخ ۱۲ آذر ۱۳۴۹ خورشیدی خود منتشر کرد، از مشکلات انتقال گورستان غسالخانه‌های مشهد گفت و اعلام کرد:

که به‌زودی غسالخانه‌ها از شهر خارج خواهند‌شد؛ «برای گورستان قبلی، زمینی در منطقه خواجه ربیع و خواجه ابیصلت تأمین‌ای طرق در نظر گرفته بودیم و انتقال گورستان دوسه مرتبه با اشکال مواجه‌شده است؛ زیرا از دیدم می‌گردد.»

آرامستان بهشت رضان و عل یک مثل فخر امیرحمیده

عملیات ساخت آرامستان بهشت رضاع) و غسالخانه آن، مدتی بعد از اعلام خبر مربوط به انتقال غسالخانه‌ها به بیرون از شهر توسط بنی‌اعتماد آغاز شد. در پی آغاز این عملیات عمرانی، دو غسالخانه قدیمی مشهد به تدریج تخریب‌شد و تا تاره اندازی کامل غسالخانه بهشت رضاع) غسالخانه موقتی در حدود میدان «فقیه» (فلکه آب) احداث شد. روزنامه اطلاعات در شماره روز ۲۴ شهریور سال ۱۳۵۴ خود، گزارشی از این اقدام منتشر کرد: «هم‌زمان با عملیات تخریب و نوسازی اطراف حرم مطهر بهره‌برداری از ساختمان غسالخانه موقت مشهد آغاز شد، تا سه ماه دیگر که غسالخانه جدید معجز در جوار گورستان بهشت رضاع) افتتاح می‌شود، از غسالخانه موقت که در فلکه دقیقی قرار دارد، استفاده می‌گردد.»

در ادامه این خبر، صحبت‌های «خاویسی»، رئیس اداره متوفیات وقت مشهد، آمده که گفته‌است: «برای اینکه از لحاظ نبودن غسالخانه مشکلی پیش نیاید، در محل فعلی که حدود ۲ هزار مترمربع مساحت دارد، غسالخانه موقت مشهد احداث شد.

این محل دارای دو سالن مردانه و زنانه برای همراهان میت امور شهر، به عریض‌انجام می‌شود؛ ولی باغ رضوان جنب فلکه و بهشت رضاع) افتتاح می‌شود، از غسالخانه موقت مشهد در آن پس از تخریب آرامستان باغ رضوان، بلدیة غسالخانه موقت دیگری



پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»



تصویری از روز افتتاح آرامستان باغ رضوان وسالخانه خیابان طبرسی

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌ها را تغییر دهد و آن‌ها را به انتهای خیابان تهران یعنی به راضی خارج شهر ببرد، بهمن همین سال هم در خبر دیگری توضیح می‌دهد که مشهد هستند؛ دفترهایی که با نظمی ویژه جدول‌بندی شده و دارای توضیح‌اند؛ به این صورت‌که در کنار هر فرد فوت‌شده، محل غسل و دفن او نیز به چشم می‌خورد؛ مثلاً، فاطمه، فرزند علی‌اکر، در غسالخانه عیدگاه ناحیه۴ کفن و دفن شده‌است.»

پیش از این‌ها اما نیاز به یک غسالخانه عمومی معجز احساس شده است؛ روزنامه «بهار» اردیبهشت سال ۱۳۱۰ می‌نویسد که بلدیة قصد دارد محل غسالخانه‌